

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

اختلاف بر سر آینده نیروهای خارجی در عراق

بعد از سال‌ها تأخیر در مذاکرات، عملیات عزم‌راسخ نیروهای ائتلاف پذیرفت که در سپتامبر ۲۰۲۵ [اواخر تابستان پیش رو] به مأموریت خود پایان دهد و ستاد مرکزی خود را برچیند. نکته مهم اینکه این شامل پایان کامل به حضور نظامی در عراق نیست. یک بند در این توافق اجازه ادامه عملیات نظامی در سوریه را از محلی مشخص نشده و تا سپتامبر ۲۰۲۶ می‌دهد. بند دیگری هم خواستار «شراکت‌های امنیت دوجانبه» می‌شود، «به شکلی که از نیروهای عراقی حمایت کند و فشار را بر داعش حفظ کند.» مخالفت‌های مهمی با این دو بند در عراق هست. گروه‌های سیاسی و مذهبی شیعه همچنان خواستار خروج کامل و فوری نیروها هستند. نیروهای شبه‌نظامی مورد حمایت ایران نیز همین‌طور. دیگران می‌گویند حمایت نظامی بین‌المللی اهمیت کلیدی دارد، به‌خصوص با درنظرگرفتن تهدید ماندگار داعش و نیز بی‌ثباتی در منطقه، مثلاً با تحولات سوریه. برای برخی، حضور نیروهای خارجی نه عامل ثبات که منبع ناامنی و مداخله خارجی است. در میان سنی‌های عراق، عمدتاً موضع قطعی در کار نیست و از بی‌تفاوتی گرفته تا عملگرایی محتاطانه دیده می‌شود. بسیاری از عراقی‌ها از خاستگاه‌های مذهبی و سیاسی مختلف مایل به ترتیبی راهبردی‌ترند که حاصل مذاکره باشد، نه خروجی عجولانه. این دیدگاه‌های پیچیده و اغلب متناقض، نشان می‌دهند که آینده مبهم چطور بر ذهن ملتی سنگینی می‌کند که هنوز در تقلاي رسیدن به اجماع است.

اساساً بحث‌ها به دو مسئله مربوط است: «آیا نیروها خارج می‌شوند؟» و «آیا باید نیروها خارج شوند؟» پاسخ‌ها اغلب مبهم و مشروط هستند. قطعاً اگر دولت عراق بگوید، نیروهای همه کشورها خارج خواهند شد. آن‌ها در سال ۲۰۱۴ با دعوت دولت عراق آمدند، دعوتی که به معاهد و چیدمان رسمی مربوط نبود و اقدامی اضطراری بود در وضعیتی بحرانی. حالا، یازده سال بعد، کمتر کسی مدعی است که داعش تهدیدی وجودی برای عراق است. در سال ۲۰۱۷ شکستش اعلام شد و اندک «عناصر خدوسر» و «گروه‌های مخفی و منتظر فرصت» را که در عراق هستند، عمدتاً نیروهای امنیتی عراق مدیریت می‌کنند: نیروهایی که ائتلاف آن‌ها را تسلیح و بازسازی کرده. مخالفان می‌گویند هدف، مشورت، کمک و اجازه به نیروهای شریک بود، تا زمانی که نیروهای امنیتی عراق بتوانند مستقلاً داعش را در عراق شکست دهند و بعد هم ارائه همکاری‌های امنیتی بلندمدت‌تر؛ اما این کار مدت‌ها پیش تمام‌شده. از نظر بسیاری، دیگر نیازی به ائتلاف نیست و زمانش رسیده که آن دعوتنامه پس گرفته شود و به حضور نیروهای خارجی پایان داده شود؛ اما همه نیروها باید خارج شوند؟ هنوز بحثی در دفاع از همکاری امنیتی بلندمدت‌تر هست. این یعنی حمایت خارجی و احتمالاً حمایت «میدانی». توافق خروج اجازه می‌دهد «کمیسرین ارشد نظامی» مرتباً درباره این مسائل بحث کند و راهی جایگزین و مخفی برای حفظ نیروها با اعزام آن‌ها در آینده فراهم می‌کند.

از بسیاری جهات، هر دو طرف درست می‌گویند. تهدید داعشی فروکش کرده و تهدیدات وجودی کمی در کار هستند که الزام کنند نیروی امنیتی عظیمی با تسلیحات و آموزش‌ها در استاندارد جهان اولی در کار باشند. حتی در وضعیت فعلی، شاخص قدرت آتش جهانی که شاخص معتبری است، عراق را ششمین ارتش قدرتمند در خاورمیانه می‌خواند. قوی‌تر از امارات متحده عربی، اردن، قطر و دیگر نیروهای مدرن دفاعی در منطقه؛ با این حال، نیروهای امنیتی فعلی عراق، حرفه‌های قابل توجهی در توانایی‌هایشان دارند. علت این، اتکال طولانی مدتشان به حمایت خارجی است. آن‌ها اتکال ویژه‌ای به سامانه‌های دفاع هوایی مؤثر، هواپیماهای جنگی و حمل‌ونقل به میزان کافی و فقدان حضور بالگردهای متکی بوده‌اند؛ به‌علاوه، نیروهای امنیتی عراق، عمدتاً به «تغذیه» اطلاعاتی از سوی متحدان متکی بوده‌اند. ارتش عراق هنوز باید بالغ‌تر شود، گرچه ائتلاف است که این کار باید داخلی انجام شود یا خارجی.

وضعیت امروز، بی‌ثباتی است. بحران غزه شبه‌نظامیان عراقی را به سوی خود می‌کشد. این شبه‌نظامیان در مقابل کنترل حاکمیتی، نقض حریم هوایی اسرائیلی و آمریکایی، حملات هوایی علیه اهداف تروریستی و پس‌لرزه‌های احتمالی شکست گفت‌وگوهای آمریکا و ایران پاسخگو نیستند. به این دلیل، لازم است عراق ساختار امنیتی کارآمدی داشته باشد که در خارج و داخل دفاع کند؛ اما سوال همچنان پابرجاست: چه کسی حافظ آینده عراق خواهد بود؛ یک ائتلاف، یا خود عراق؟

دیپلماسی

DIPLMACY



عکس: ZUMA Press Wire

وزیر خارجه واقعی ترامپ

استیو ویتکاف رفیق و هم‌بازی گلف ترامپ چطور به سخت‌ترین شغل دنیا رسید

در داشتن اعتماد رئیس‌جمهور جبران می‌کند. دستیاران و دیگر متحدانش می‌گویند ترامپ به ویتکاف اعتماد دارد، چون او در کاری موفق بوده که رئیس‌جمهور برایش احترام قائل است، یعنی در پول‌درآوردن و نیز چون وفاداری و ویتکاف مطلق است. سوزی وایلز، رئیس دفتر کاخ سفید می‌گوید: «کسی مثل دونالد ترامپ آشنایان بسیار زیادی دارد، خیلی بیش از آنکه بشود حتی نام‌برد یا شمرده؛ اما فکر می‌کند خودش باشد می‌گوید دوستان واقعی خیلی کمی خارج از خانواده‌اش دارد و استیو در این جمع باید «اولی بین برابرها» باشد.» [اصطلاحی که سایکس‌اش به روم‌باستان برمی‌گردد، اشاره به فردی که رسماً عضوی برابر از یک جمع است اما به دلیل ویژگی‌های شخصی، به صورت افتخاری یا غیررسمی، جایگاه بالاتری برای او در نظر گرفته می‌شود.] چند نفر از دستیاران کاخ سفید، دیپلمات‌های فعلی و سابق و شرکای تجاری‌اش درباره او با من حرف زده‌اند. تصویری که آن‌ها از او ترسیم می‌کنند، مبارزی شاد اما غیرمعمول است، نوع تازه‌ای از دیپلمات برای رئیس‌جمهوری که نقش آمریکا را در جهان بازتعریف می‌کند.

دفتر ویتکاف در «بال غربی» کاخ سفید، برای کسی که میلیارد است، اتاقی خالی به نظر می‌آید. به جز یک میز کار، یک میز جلسه ساده و یک صندلی که او کوله‌پشتی‌اش را روی آن می‌گذارد، چیز چندانی در اتاق نیست. تصاویر روی دیوار شامل یک تصویر از منظره‌ای روسی استایی است و به جز آن بیشتر عکس‌هایی از ترامپ. ترامپ با ویتکاف، ترامپ با نتانیاهو، ویتکاف در گفت‌وگویش با من از هر چیزی گفت. بخشی از متن مذهبی «هگانه» مربوط به عید پسخ را برایم خواند؛ هنری کیسینجر را مقصر دانست که به خاطر پیشبرد برنامه‌های سیاسی ریچارد نیکسون، جنگ ویتنام را طولانی کرد (می‌گفت: «من بودم هیچ وقت نمی‌توانستم با خودم کنار بیایم.») و ترامپ را آدم تاریخ‌بدلی خواند که فوق‌العاده مطالعه داشته است. کراوات بنفش‌اش را کنار زد، دکمه‌های پیراهنش را باز کرد و گردنبند ستاره داوود را نشان من داد، یکی که متعلق به پدرش بوده و دیگری متعلق به پسر بزرگش، پسری که در سال ۲۰۱۱ در سن ۲۲ سالگی، در نتیجه مصرف بیش از حد مواد درگذشت. بعد از اینکه ایدن الکساندر [سرباز آمریکایی اسرائیلی ارتش اسرائیل که اسیر بود و اخیراً در نتیجه مذاکره مستقیم آمریکا با حماس، تحویل ایالات متحده شد] از اسارت برگشت، ویتکاف گردنبندی را که زمانی متعلق به پسرش بود، به او داد. ویتکاف مدرک لیسانس علوم سیاسی دارد و مدرک حقوق، هر دو از دانشگاه هافسترا در لانگ‌ایلند. او اولین بار در دهه ۱۹۸۰ با ترامپ آشنا شد. آن زمان ویتکاف در دفتر حقوقی «دراپر و تراز» در نیویورک کار می‌کرد و این دفتر، وکالت این غول املاک را در معاملاتش به عهده داشت. یک بار ویتکاف با اواخر شب در یک اغذیه‌فروشی بوده که ترامپ وارد می‌شود، درحالی که هیچ پولی همراه نداشت. ترامپ ویتکاف را از دفتر حقوقی‌اش می‌شناسد و از او می‌پرسد که می‌شود یک ساندویچ گوشت و پنیر برایش حساب کند. ویتکاف در مصاحبه‌ای که با تاکر کارلسون در ماه مارس داشت، این‌طور به خاطر می‌آورد که «می‌خواستم او باشم.» به همین خاطر او دست از کار حقوقی می‌کشد و وارد سرمایه‌گذاری در املاک می‌شود. ویتکاف با «جو لو» سرمایه‌گذار مالزیایی و چند سرمایه‌گذار دیگر شریک شد. یکی از این سرمایه‌گذاران هم «صندوق ثروت ملی اوبوطی» بود. لودر سال ۲۰۱۸ به کلاهبرداری متهم شد. ویتکاف به خلاقی متهم نشد. دو نمونه از همین صندوق‌های ثروت ملی، از کشورهای حاشیه خلیج [فارس] ابوند که ویتکاف را از فاجعه مالی متعاقب پرونده لوجنات دادند. اولی همان صندوق اوبوطی بود که سهمش را از ملک مورد شرکت افزایش داد و سپس در سال ۲۰۲۳، «اداره سرمایه‌گذاری قطر» مستقر در دوحه، وارد معامله شد و کل ملک را خرید تا عملاً سهم ویتکاف را هم خریده باشد.

همین تراکنش‌هاست که باعث شده برخی از ویتکاف انتقاد کنند

ویتکاف هیچ سابقه رسمی در روابط بین‌الملل ندارد. آموزش یا تجربه‌ای به عنوان دیپلمات هم ندارد. او در حال پیگیری مذاکرات برای توافق در مسائل متنوع و پیچیده است؛ از جنگ روسیه و اوکراین گرفته تا برنامه هسته‌ای ایران. برای این کار، اتکال سنگینی بر غریزه‌اش دارد، بر سابقه‌اش در مذاکرات املاکی و رفاقت شخصی‌اش با رئیس‌جمهور. می‌گوید در ماه‌های اخیر درباره درگیری‌های دنیا کتاب‌های بسیاری خوانده و مستندات بسیاری را در تلفیکس تماشا کرده (شامل «نقطه عطف: جنگ ویتنام»). شبیه‌باوری که ترامپ درباره سیاست دارد، او هم به این باور رسیده که می‌تواند فقدان تخصص را به امتیازی برای خودش تبدیل کند و جایی که متخصصان ناکام مانده‌اند، موفق شود. لیندزی گرام، سناتور جمهوری خواه از کارولینای جنوبی می‌گوید: «این ماجرا چیزی مثل این است که «آقای اسمیت به خاورمیانه می‌رود.» [بازی با عنوان فیلم «آقای اسمیت به واشنگتن می‌رود»، کمدی درامی ساخته فرانک کاپرا درباره مرد سیاست‌شناس و خامی که ناگهان وارد دنیای سیاست شده تا به نبرد با فساد دولتی برود.]

خیلی‌ها به شانس موفقیت ویتکاف بدبین‌اند. تعجبی هم ندارد، گفته می‌شود بعضی دیپلمات‌ها که ترامپ خودش دستچین کرده، تحفظ عمیقی درباره روش ویتکاف دارند. وقتی ویتکاف از جلسه‌ماه مارس‌اش با پوتین بازگشت، کلیدنکته‌های کرملین را در مصاحبه‌ای با تاکر کارلسون، مجری سابق فاکس‌نیوز مطرح کرد و با این کار کهنه‌کاران سیاست خارجی ایالات متحده را بهت‌زده کرد. او گفت پوتین «تمی خواهد شاهد این باشد که کلی آدم کشته‌شوند.» به نظر می‌رسید این نماینده ویژه، ادعاهای روسیه نسبت به مناطق شرقی اوکراین را تأیید می‌کند. اساس این ادعاها، همه‌پرسی‌های قلابی بودند که در سال ۲۰۲۲ در آن‌ها نمایش داده شدند. ویتکاف درباره جذابیت شخصی پوتین هم ذوق و شوق نشان داد و گفت بعد از اینکه در یک تجمع انتخاباتی، یک گلوله گوش ترامپ را خراشید، رهبر روسیه مشغول «دعا برای دوستش» بوده است. ویتکاف سراسر است بی‌هیجان درباره پوتین گفت: «از او خوشم می‌آید.»

اوکراین را تأیید می‌کند. اساس این ادعاهای همه‌پرسی‌های قلابی بودند که در سال ۲۰۲۲ در آن‌ها نمایش داده شدند. ویتکاف درباره جذابیت شخصی پوتین هم ذوق و شوق نشان داد و گفت بعد از اینکه در یک تجمع انتخاباتی، یک گلوله گوش ترامپ را خراشید، رهبر روسیه مشغول «دعا برای دوستش» بوده است. ویتکاف سراسر است بی‌هیجان درباره پوتین گفت: «از او خوشم می‌آید.»

نقش ویتکاف، تکرار برخی وظایف سیاست خارجی است که جرد کوشنر، داماد رئیس‌جمهور، در دولت اول ترامپ بر عهده داشت. این نقش بر چند فرض بنیاست: بهترین مسیر حل مناقشه‌های بین‌المللی نه نهاد‌های چند جانبه که ابر قدرت‌های دنیا هستند، با نمایندگی فرستادگان رهبران قدرتمند؛ ضروریات تجاری می‌توانند بر نفرت‌های باستانی غلبه کنند، خواه این نفرت‌ها قومی باشند خواه مذهبی و دیگر اینکه اهداف ایالات متحده اساساً عملگرایی‌اند و خیلی مربوط به درست و غلط‌نمی‌شوند. ویتکاف، رئالیستی است، طبق الگوی قدیمی هانس مورگنتاو. «بر اساس منافع که به عنوان قدرت تعریف شده‌اند» فکر می‌کنند؛ البته خودش طوری دیگری می‌گوید: «من ایدئولوگ نیستم. یادت باشد من آن دیپلمات آماتورم.» از او می‌پرسم این حرف خودش است یا کس دیگری این‌طور گفته؟ می‌گوید: «حرف خودم است؛ ولی به شوخی می‌گویم.» بلند می‌خندد و ادامه می‌دهد: «دیپلماسی یعنی مذاکره. من همه عمرم مشغول این کار بوده‌ام.»

زندگی ویتکاف همیشه این‌طور نبود. او با خرید و فروش املاک معروف شد. این کار را هم خوب انجام داد و معامله‌های خرید حسادت‌برانگیزی داشت مثل خرید ساختمان «دیلی نیوز» و ساختمان «وولورس» در نیویورک. ثرونی خالصی به اندازه ۲ میلیارد دلار هم جمع کرد. ویتکاف هر چه در سوابق دیپلماتیک کم دارد،



آیزاک استنلی بکر

تاریخ‌دان و روزنامه‌نگار برنده پولیتزر



تا پنج ماه پیش کمتر کسی خارج از حلقه‌های مشاورین املاک نیویورک می‌دانست چنین آدمی وجود دارد. ظهور چشم‌گیر استیو ویتکاف در صحنه جهانی، دیپلمات‌های حرفه‌ای آمریکا را مبهوت کرده و بخشی از وظایف مارکو روبریو، وزیر واقعی امور خارجه و مشاور موقت امنیت ملی را کم کرده است. روبریو با یک نقطه ضعف عظیم در این سمت قرار گرفت: او دوست دونالد ترامپ نیست. ویتکاف کاملاً هست. ۴۰ سال هست هم‌رامی‌شانسند. مرتب به باشگاه‌های متعدد گلف ترامپ می‌روند. ویتکاف به دنبال ترامپ وارد سرمایه‌گذاری در املاک شد؛ وارد کاری که هر دوی آنها را میلیارد کرده است. وقتی ترامپ ورشکستگی، دو طلاق، دو استیضاح، دو سوء قصد و دو سوگند ریاست‌جمهوری را از سر می‌گذرانند، ویتکاف کنار او ماند. حالا ترامپ از دوستش خواسته چندین مورد از خطرناک‌ترین مشکلات جهان را حل کند؛ مشکلاتی که چند نسل از رؤسای جمهور و دیپلمات‌های آمریکایی را شکست داده‌اند.

ویتکاف که ۶۸ سال دارد، نرم‌زبان‌تر از رئیس‌جمهور است اما مثل او اهل حرف‌های پرآب‌و تاب است. می‌گوید: «در سوریه موفق می‌شویم. خیلی زود درباره‌اش می‌شنوی. در لیبی موفق می‌شویم. به زودی می‌شنوی. در آذربایجان و ارمنستان موفق می‌شویم، آنجا که تقریباً خدا هم ره‌ایش کرده بود و بلافاصله خواهی شنید. نهایتاً راه جلی برای ایران هم خواهیم داشت و برای روسیه و اوکراین.» ویتکاف فرصت اندکی برای یادگیری داشته؛ البته به نظر می‌رسد تاریخ طولانی ناگامی دیپلماتیک آمریکا در خاورمیانه مشخصاً خیلی برایش مهم نیست. او مثل ترامپ کامل تراکنش گراست. از نگاه او، آیت‌الله خامنه‌ای و ولادیمیر پوتین و برخی دیگر، مستبدانی ماکیاولیست و بی‌رحم نیستند که گرفتار ایدئولوژی‌های عمیقاً خصمانه‌باشند و عمیقاً وابستگی احساسی به این ایدئولوژی‌ها داشته باشند؛ بلکه از نظر او آن‌ها مذاکره‌کنندگانی باهوش‌اند، مثل وکلای املاک بسیاری که او در کسب‌وکارش با آن‌ها مواجه بود و صرفاً به دنبال بهترین معامله ممکن هستند. به نظر می‌رسد ویتکاف میل پوتین به دیدار با او را نه‌نمایش تسلط که نشانه‌ای از علاقه واقعی رهبر روسیه به صلح می‌بیند.

او درباره اسرائیلی‌ها بدبینی بیشتری نشان داده. برای کسب توافق ماه ژانویه او به دیوید بارانی، رئیس موساد گفت اگر اسرائیل موافقت نکند، او باید به دوستانی جواب پس بدهد که بچه‌هایشان هیچ‌وقت از اسارت در غزه باز نخواهند گشت. ماه مارس، او در حالی دوحه را ترک کرد که باور داشت با حماس توافق کرده آتش‌بس تمدید شود اما حماس دوباره شرایط دیگری را پیشنهاد داد. آن زمان ویتکاف گفت: «شاید من اینجا گول خوردم.» یکی از نزدیکان یکی از رهبران کشوری در حاشیه خلیج [فارس] موضوع را این‌طور برای من توضیح داد که سرسختی این درگیری‌ها «تحقیر» کرد. همان موقع‌ها بود که مقامات ایالات متحده شروع به گفت‌وگوی مستقیم با حماس کردند، برخلاف پروتکل‌های آمریکا. امتیازی که این گروه شبه‌نظامی این هفته داد، در فرایند مذاکره‌ای حاصل شد که اسرائیل کاملاً از آن کنار گذاشته شده بود. «بشار ببح» در این مذاکرات کمک کرد، رئیس گروهی که پیشتر به نام «عرب آمریکایی‌های طرفدار ترامپ» شناخته می‌شد. این تحولات کارشناسان قدیمی را شوکه کرد. آرون دیوید میلر، تحلیلگر و مذاکره‌کننده سابق وزارت خارجه در حوزه خاورمیانه در این باره می‌گوید به ویتکاف «قدرت استفاده از ابزارهایی داده شده که هیچ دولتی نابه‌حال از آن‌ها استفاده نکرده است. هیچ‌وقت ندیده‌ایم دولتی این قدر خودش را این‌طور از اسرائیل جدا کند.»